روزنامه صبح ایران
سیاسی- فرهنگی- اقتصادی- اجتماعی
صاحب امتیاز: مهدی کروبی
مدیر مسؤول: محمدجواد حق شناس
سردبیر: ابوالفضل شکوری
تلفن: ۴-۸۸۳۲۱۷۷۳ نمابر: ۸۸۳۲۳۰۹۰
نشانی: تهران -خ کریم خان زند- شماره ۱۲۸
صندوق پستی: ۶۹۶۹ -۱۵۸۷۵

نسخه الکترونیکی روزنامه
www.etemademelli.ir
www.roozna.com
info@etemademeli.com
آگهی‌ها: ۲۶-۸۸۹۵۶۰۲۴ نمابر: ۸۸۹۵۹۳۰۴
روابط عمومی: ۸۸۳۲۱۷۷۵
نمابر تحریریه: ۸۸۳۱۴۳۷۶
امور شهرستان‌ها: ۸۸۳۲۳۲۱۱

اعتماد ملی
روزنامه صبح ایران
۱۳۸۴

نشانی مراکز چاپ اعتماد ملی
طوطی: خیابان مصطفی خمینی پلاک ۶۹۰
تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۰-۴۱
بامشاد: کیلومتر ۹ جاده مخصوص - خیابان ۲۲
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۴۸-۵۴
لیتوگرافی: رسام گرافیک
تلفن: ۸۸۷۵۳۰۹۳-۸۸۷۵۹۳۲۲

وضعیت آب و هوای چند شهر ایران
تهران: آفتابی / ۲۰ تا ۳۰ شیراز: آفتابی /۱۷ تا ۳۳
مشهد: آفتابی/ ۱۱ تا۲۵ تبریز: آفتابی /۱۷ تا ۳۰
اوقات شرعی
اذان ظهر: ۱۱/۵۷ اذان مغرب: ۱۸/۱۸
اذان صبح فردا: ۴/۳۰ طلوع آفتاب فردا: ۵/۵۳

زمزمه

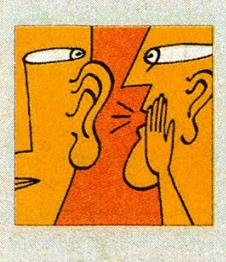

گاف ایرنا در انتشار گزارش یک نشست برگزار نشده

شنیدیم که خبرگزاری جمهوری اسلامی و ارگان رسمی دولت ساعت ۱۷/۵۹ دقیقه روز چهارشنبه گذشته خبری را از یک نشست غیرواقعی منتشر کرد که تعجب بسیاری از محافل خبری و سیاسی را برانگیخت. این خبرگزاری در خبری غیرمنتظره با عنوان «نشست شورای امنیت درباره ایران» مدعی شد که شورای امنیت سازمان ملل روز چهارشنبه برای شنیدن و بررسی گزارش سه ماهه درباره میزان اجرای دو قطعنامه ضدایرانی تشکیل نشست علنی داد. در این خبر اضافه شده است:

«این نشست ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه به وقت نیویورک آغاز شد و نماینده آمریکا به تهدیدهای خود علیه تهران ادامه داد.» در پایان خبر هم این جمله منعکس شد که «خبرهای تکمیلی از این نشست متعاقبا مخابره می‌شود.» این درحالی است که هیچ نشستی درباره ایران در شورای امنیت برگزار نشده بود و هیچیک از خبرگزاری‌های داخلی و خارجی این خبر را منعکس نکرده بودند. یک مقام ارشد وزارت خارجه هم روز چهارشنبه در گفت‌وگو با اعتماد ملی خبر ایرنا را تکذیب کرد.

رابطه «بابا آب داد» و استعمار

شنیده شده که امام جمعه شهرکرد، عبارت‌های «بابا نان داد» و «بابا آب داد» را عباراتی دانست که «روحیه استعماری» دارند و بر این مبنا پیشنهاد داد تا به جای آنها از عبارات «خدا نان داد» و «خدا آب داد» در نظام تعلیم و تربیت کشور استفاده شود. به گزارش سایت آفتاب آیت ا... محمدرضا ناصری یزدی در دیدار روسای آموزش و پرورش مناطق ۱۷ گانه چهارمحال و بختیاری همچنین خواستار توجه به پوشش مناسب دانش آموزان در فصل بازگشایی مدارس شده و تاکید کرده که «حجاب دانش آموزان، آنان را از گناه باز می دارد».

اعتراض جامعه مدرسین به مقاله کدیور

آخرین خبر شنیده اینکه به نوشته سایت جهان نیوز جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اخیرا با ارسال نامه‌ای خطاب به آیت ا... العظمی موسوی اردبیلی از قرائت مقاله محسن کدیور در همایش حقوق بشر دانشگاه مفید قم، ابراز نگرانی و تاسف کرده است. به نوشته این سایت در نامه جامعه مدرسین، ضمن ابراز تاسف از نشر دیدگاه‌های کدیور مبنی بر ارجحیت سند حقوق بشر بر آموزه‌های اسلام در همایش برگزار شده در دانشگاه مفید، از ایشان درخواست شده تا اشراف بیش از پیش بر این دانشگاه داشته باشند.

ضربان تصویر

ادیک بغوسیان
www.edikboghosian.com

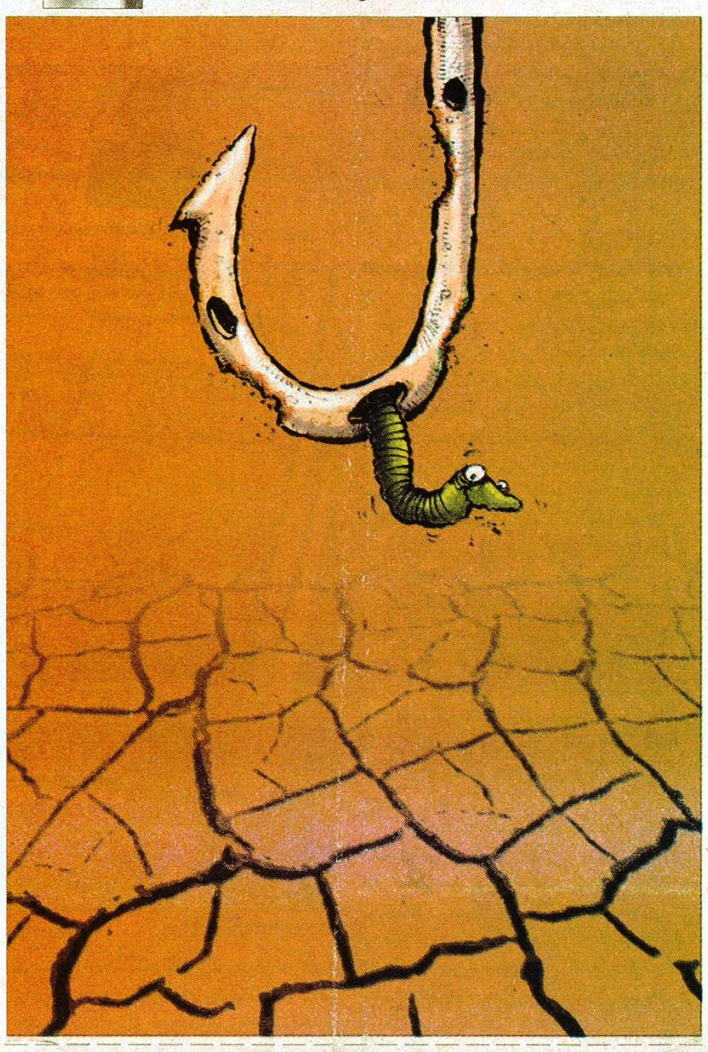

سیاست مجازی

تبلیغ بانک پیامد چیست؟

www.modaara.blogfa. com

گزیده وبلاگی: وبلاگستان با شدت هر چه بیشتری مشغول بازی تازه‌ای است که با نامی مقدس گره خورده؛ میهن. پست هایی که بچه ها می نویسند را شاید بشود یک کتاب کرد از نگرش ایرانیان به میهن. برای امروز می شود به همین چند گزیده وبلاگی کفایت کرد و بس. ابتدا سراغی از «مدارا» بگیرید که از «سایهٔ دولت بر اقتصاد» و پیامد آن که «استبداد» است، تحلیلی بلند را ارائه می کند. نمونه‌ای که این وبلاگر بحثش را با آن پیش می کشد، قابل تامل است: «بیشترین حجم نمایش آگهی های تلویزیون در ایران، به آگهی بانک ها و تشویق جامعه به سپرده گذاری اختصاص دارد اما از سوی دیگر اگر به کانال های تلویزیون کشورهای توسعه یافته نظری بی افکنیم خلاف این را مشاهده می کنیم... شاید برای همین هم است که خیابان سنگی بندر بوشهر شیک ترین و مدرن ترین خیابان این بندر شده با احاطه شدن دو سوی این خیابان به وسیله ساختمان های متعدد چند طبقه انواع و اقسام بانک ها...» راهنمایی بعدی هم خیلی نامرتبط به اقتصاد نیست. در وبلاگ «بی بی سی فارسی» ماجرای «نور شدن ریال» خواندنی است: «تغییر واحد پول ملی ایران دوباره به گوش می رسد... این زمزمه ها سال ها پیش، وقتی شروع شد که پول ملی در سرازیری افتاد و هر چه زمان گذشت ارزش خود را بیشتر از دست داد. سرنوشت پول ایران که روزی ۷۰ ریال آن می شد یک دلار، حالا به جایی رسیده که با ۹۰۰۰ ریال هم نمی شود یک دلار خرید. تورم و افزایش مداوم قیمت ها باعث شده که ریال روزهای سختی را سپری کند و هر روز بیشتر از گذشته ارزش خود را از دست بدهد.. یکی از راه حل ها، چهار پنج سال پیش بر سر زبان ها افتاد و خیلی زود هم فراموش شد؛ طرحی که مبنای آن تغییر واحد پول کشور از ریال به یک واحد پولی تازه به نام «نور» بود...» در وبلاگ «آناهیتا دانشور» هم می توانید با اتفاق تازه‌ای در اینترنت ایرانی روبه‌رو شوید، گویا به‌زودی کارت هوشمند اینترنت ملی برای سهمیه‌بندی دنیای مجازی در راه است! ماجرایی که برای این کاربر اینترنت اتفاق افتاده، به هر حال خودش از آن لطیفه هایی است که تنها در ایران امکان رخدادش وجود دارد. در پایان گزیده وبلاگی امروز هم «نه چندان جدی» پست هایی خواندنی و متفاوت دارد. نه چندان جدی از ماجرای سخت و انحصاری و استبدادی «ازدواج در کره شمالی» سخن می گوید که گویا دولت ناقض حقوق بشر این کشور، در امر ازدواج دو نفر هم حوزه خصوصی را قبول ندارد.

بی ویرایش

جلوه‌ای از عدالت ورزی دولت نهم

وحید محمودی*

۱- در سفرهایی که مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۰(۱۹۰۲) و ۱۳۲۳(۱۹۰۵) به پاریس داشته است عریضه‌های زیادی به او نوشته شده است که اشاره به پاره‌ای از آنها خالی از لطف نیست: اعلیحضرتا!... من در انتظار خواهرم مادموازل کرامپل هستم، این ایام در روسیه مقیم است. چون او مریض است و من میل دارم که در فرانسه بمانم و با هم باشیم سرمایه‌ای برای تجارت احتیاج داریم، به مبلغ ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ فرانک، تهیه این مبلغ برای من پنجاه و هشت ساله غیرمقدور است. امیدوارم که اعلیحضرت این مسؤول را به عین رضا مورد قبول قرار دهند... اگر این درخواست مورد قبول قرار بگیرد و من مغازه‌ای باز کنم به پاس حق اعلیحضرت عکس آن شاهنشاه را بالای تابلوی مغازه خود خواهم گذاشت. ایضا! اعلیحضرتا، دیروز سه‌شنبه موقعی که پاریس بودم هر قدر نزدیک مقر شاهانه انتظار زیارت اعلیحضرت را کشیدم به این سعادت نرسیدم، اما در این فاصله، جیب‌بری انگشتری الماس مرا که به قصد تعمیر همراه داشتم از جیبم ربود... فکر کردم که چون علت اصلی این دزدی وجود شخص اعلیحضرت بوده خواستم که در مقابل محکمه‌ای برایشان اقامه دعوی کنم، اما هرچه تحقیق کردم دیدم که در قوانین فرانسه راهی برای این کار نیست. به همین جهت بهتر آن دیدم که مستقیما به اعلیحضرت مراجعه کنم و غرامت این سرقت را که اعلیحضرت من غیرقصد مسبب آن بوده‌اند از ایشان بخواهم.

۲- در سفرهای استانی آقای احمدی‌نژاد، در شهرستان چندین گونی عریضه و شکایت دریافت می‌دارند که از تنوع و گوناگونی زیادی برخوردارند، از میان اینها پاره‌ای تقاضای مساعدت مالی دارند، برخی از نداشتن شغلی برای خود و فرزندان گله‌مند هستند و پاره‌ای از تضییع حقوق خود در ادارات دولتی گلایه دارند. آقای احمدی‌نژاد در پاسخ به عریضه‌ها، برخی را برای دریافت وام به بانک‌ها و بنیاد مسکن معرفی نموده، برای دانش آموزی که تقاضای دوچرخه کرده دوچرخه فرستاده و نظایر آن، اما در پاسخ به غالب عریضه‌ها مبلغ ۶۰ هزار تومان ارسال نموده است.

۳- پاسخ به شکایات مردم در جای خود اقدامی درخور تحسین است، چراکه یکی از شاخص های توانمندسازی مردم میزان پاسخگویی دولت‌هاست. در این صورت مردم احساس اهمیت، مشارکت و منزلت می کنند. اما چگونگی پاسخ به شکایات و خواسته های مردم از اهمیت دوچندان برخوردار است.

۴- این اقدام با هیچکدام از مبانی نظری رفاه و سیاست‌های حمایتی همخوانی ندارد، یارانه نقدی هم تلقی نمی‌شود چون یکی از خصوصیات یارانه نقدی استمرار منظم آن برای یک برنامه زمانی معین و گروه‌های هدف معین است.

۵- این اقدام از منظر عدالت نیز فاقد مبانی و توجیه است. پاسخ ناصحیح و غیراصولی به خواسته‌های متفاوت از منظر عدالت زیر سوال است. تکلیف آن کسی که فاقد قابلیت و توان لازم برای حتی نوشتن یک نامه است و یا ساکن روستای دورافتاده‌ای است که نه دسترسی و نه آگاهی از حضور رئیس جمهور دارد چه می‌شود. در هفته گذشته به‌طور تصادفی در یکی از شهرستان‌ها که رئیس جمهور در این اواخر سفر کرده‌اند با ۲۰ نفر از کسانی که ۶۰ هزار تومان دریافت کرده‌اند برخورد داشتم، برآورد سرانگشتی بنده این بود که از این ۲۰ نفر ۸ نفر آنها فقیر نیستند و نیاز به حمایت ندارند و از وضع مالی نسبتا خوبی برخوردارند. ۹ نفر فقیر هستند اما تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار دارند و ۳ نفر فقیر هستند و تحت پوشش هیچ نهاد حمایتی هم نیستند. گروه اول که به غلط چنین حمایتی از آنها شده، گروه دوم حمایت مضاعف و نسبت به سایر افراد تحت پوشش ناعادلانه از آنها حمایت صورت گرفته است و به گروه سوم هم غیراصولی این حمایت صورت پذیرفته است بنابراین چنین اقدامی محشون از بی‌عدالتی است.

۶- مبالغ پرداختی در چه فصلی از بودجه سال ۱۳۸۶ آمده است و چه منطقی بر تخصیص آن حاکم بوده است؟

۷- دادن آب نبات به مردمی که در نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، بالا خص دولت نهم و فقدان یک چتر حمایتی اصولی در چنین وضعیت رنجور بیمار و مستاصلی قرار گرفته‌اند کجای عدالت است؟ با ایهام از عریضه دوم به مظفرالدین شاه در بند یک، مسبب اصلی این مصیبت‌ها و شکایت‌های مردم سیاست‌های غلط و عملکرد مسوولان اجرایی و سیاستگذار کشور است که ساز و کار لازم برای به محاکمه کشیدن آنها توسط مردم فقیر و محروم وجود ندارد!

۸- از هم‌اکنون مردم شروع به نوشتن نامه برای سفر بعدی رئیس جمهور نموده‌اند! و قطعا میزان عریضه‌ها و درخواست‌ها به چندین برابر خواهد رسید که دولت امکان پاسخ مقتضی به آنها را نخواهد داشت.

۹- جناب آقای احمدی‌نژاد، پر واضح است که صرف این مبالغ به این شکل می‌تواند به شما کمک کند. عکس شما بر بالای مغازه‌ای قرار گیرد و به شما و همکاران و هم‌قطاران در انتخابات‌های آتی کمک کند، اما به آنهایی که این پول را دریافت می‌کنند کمکی نخواهد کرد. آقای احمدی‌نژاد، اگر می‌خواهید به این مردم خدمت کنید یک اقدام انجام دهید، همین کفایت می‌کند و آن کنترل و تک‌رقمی کردن نرخ تورم است، البته به گونه‌ای که مردم لمس و باور کنند که در عمل چنین اتفاقی افتاده است. توزیع این منابع که فاقد هیچ مبانی و اصولی نیست فقط به تورم، بی‌عدالتی و بی‌برنامگی دامن می‌زند.

۱۰- پوپولیسم بلای توسعه، پیشرفت و آبادانی یک ملت و خلاف عدالت است. برای رضای خداوند و خدمت صادقانه به مردم دست از این کار برداریم و برای دردها و آلام و مشکلات مردم فکری اصولی کنیم.

* استاد دانشگاه و عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی

یومیه

فرار به زیر سایه

ایران: مجبور به دفاع از دولت در برابر مخالفان بی‌انصاف شده‌ایم

اظهارات سخنگوی دولت در جمع خبرنگاران و انتقاد حداد عادل از تصمیم‌های کارشناسی‌نشده دولت دو موضوع مهم خبری مطبوعات روز پنجشنبه بود؛ در سرمقاله‌ها و تحلیل های روزنامه‌ها نیز همین محورها دنبال شده بود. روزنامه دولتی «ایران» طی یادداشتی با عنوان «فرار از آفتاب تا کی؟!» سخنان اخیر محمد هاشمی عضو ارشد کارگزاران را نقد کرد و نوشت: «شرایط حزب و شخص ایشان قابل درک است زیرا چندین سال فرصت طلایی، صرف تبلیغات گروهی، حزبی و جناحی و زراندوزی دوستان و وابستگان حزبی شد و زمانی که فرصت خدمت توسط مردم از آنها گرفته شد، به اجبار برای تقدیس خودشان باید به کسانی که از جنس مردم هستند و فرصت را صرفا برای خدمت هزینه می کنند، حمله کنند..... متأسفانه گذشته احوال این جماعت قلیل گویای آن است. اگر سری به محاکم قضایی بزنیم و پرونده‌های مفاسد عظیم اقتصادی سال‌های گذشته را بررسی کنیم، مشاهده خواهد شد که کار مثبت اقتصادی یعنی...!! چرا افرادی دارای دسترسی‌های بالا در دولت‌های گذشته باید هکتارها زمین منابع طبیعی و دولتی این ملت مظلوم را در شمال شرق تهران به صورت باغ و ویلا در اختیار بگیرند و جولا نگاه خانواده عزیز خود نمایند، هر کس دیگر هم جای ایشان بودند، حتماً از این سفرها نگران می شد، به هر حال هر کس جایگاه خودش را دارد، دست‌اندازی به بیت‌المال مخصوص افراد و گروه‌های خاص است....» روزنامه ایران در حالی سخنان یک منتقد را اینگونه نقد کرده و پاسخ داده که در یادداشتی دیگر با عنوان «مدعیان کم‌طاقت» نقدهای روزنامه‌ای خود را دفاع از دولت، تبیین عملکردها و یا پاسخ به برخی شبهات و اهانت‌ها خوانده است. این روزنامه با تایید این مطلب که «روزنامه ایران روزنامه‌ای است که با دولت نسبتی دارد» نوشته که «هر از چندی مجبور به دفاع از دولت در برابر مخالفان بی‌انصاف شده‌ایم. مروری گذرا به یادداشت‌های روزنامه ایران در ماه‌های اخیر به خوبی نشان می دهد که عمده مواضع در این یادداشت‌ها دعوت منتقدین بی‌انصاف به رعایت چارچوب‌های اخلاقی و حقوقی و خودداری از توهین و هتاکی و شبهه‌آفرینی کذب و غیرواقعی در خصوص عملکرد دولت و رئیس جمهور بوده است.» روزنامه اصولگرای جمهوری اسلامی هم در سرمقاله خود با اشاره به سخنان وزیر خارجه فرانسه نوشت: «لازم است مقامات جمهوری اسلامی ایران متناسب با عکس العملی که در سطح جهانی علیه این سخنان نابخردانه وزیر خارجه جدید فرانسه صورت گرفت واکنش مناسبی را نشان دهند تا مقامات فرانسوی بدانند درصورت تکرار چنین اشتباهاتی و ادامه مواضع غیرمنطقی علیه جمهوری اسلامی ایران با پاسخ قاطعی مواجه خواهند شد.» روزنامه رسالت هم در سرمقاله خود با عنوان «هیاهو برای هیچ» با بیان اینکه موقعیت ایران در نظام بین‌الملل به گونه‌ای است که امکان هیچ گونه مانور نظامی علیه آن وجود ندارد نوشت: «هیاهوی آمریکا و متحدانش تنها در قالب یک شانتاژ رسانه‌ای قابل تحلیل است.»

خبرساز

محرومیت «معیری» از ویزای آمریکا

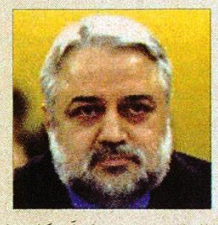

به این دیپلمات ایرانی ویزای آمریکا نمی دهند؛ به بهانه مشارکت در اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸. به علیرضا معیری سفیر ایران در مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو جواز شرکت در نشست هفته آینده وزرای اعضای مجمع عمومی سازمان ملل داده نشد. این اقدام به ادعای مشارکت وی در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در سال ۱۹۷۹ انجام شده است. «ریچارد گرنل» یک سخنگوی سفارت آمریکا در سازمان ملل گفت: «اگرچه ما درباره موارد خاص ویزا اظهار نظر نمی کنیم اما قطعا اجازه ورود فردی که آمریکایی ها را گروگان گرفته به آمریکا نمی دهیم.» مشخص نیست منبع ادعای مقامات آمریکا در این مورد چیست و در این مشارکت فرضی، آقای معیری چه نقشی در اشغال سفارت آمریکا داشته است. با این حال سفارت ایران در ژنو اعلام کرد علیرضا معیری هرگز در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران در سال ۱۹۷۹ مشارکت نداشته است. کورش احمدی کارمند سفارت ایران در ژنو گفت: «وی هرگز و به هیچ صورت بخشی از گروه دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا نبوده‌است.» وی افزود پیش از این نیز به همین ادعا به معیری ویزا داده نشد و این اقدام «کاملا بی‌اساس و اشتباه» است. از سوی دیگر «عباس عبدی» یکی از اعضای اصلاح طلبان ایران که خود نیز جزو دانشجویان تسخیرکننده لانه جاسوسی آمریکا بوده است، گفت: «معیری از ابتدا تا انتها هیچ نقشی در تسخیر سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ در ایران نداشت.» وی افزود هیچیک از اعضای دولت کنونی ایران به ریاست محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری ایران نقشی در این امر نداشته‌اند. احمدی گفت سفارت ایران در ژنو دیپلمات‌های دیگری را به جای معیری اعزام نمی کند. وی افزود: «تا آنجا که می دانم، هیچ درخواست دیگری برای ویزای هیات دیگری ارائه نشده اما هیات ایرانی از تهران در این نشست شرکت خواهد کرد.» همزمان با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری هم ادعاهایی مبنی بر مشارکت وی در اشغال سفارت آمریکا در تهران مطرح بود و حتی وی را با عکس یکی از گروگانگیرها مطابقت می‌دادند که در آن زمان هم از سوی احمدی‌نژاد و هم از سوی دانشجویان پیرو خط امام که در زمره فعالان اصلاح طلبان هستند، رد شد. معیری ۵۱ ساله که به این بهانه از اخذ ویزای آمریکا بازمانده، بهمن سال ۱۳۸۴ به عنوان سفیر و نماینده دائم ایران در مقر اروپایی سازمان ملل منصوب شد، پیش از این در سمت‌هایی چون کاردار ایران در فرانسه (مرداد ۱۳۶۳ تا آذر ۱۳۶۴)، معاون سیاسی نخست‌وزیر (۱۳۶۴-۱۳۶۸)، مشاور رئیس جمهور در امور بین الملل (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، مشاور رئیس جمهور در امور هماهنگی و مسوول گروه مشاورین رئیس جمهور (۱۳۷۶-۱۳۷۷)، سفیر جمهوری اسلامی ایران در فرانسه (۱۳۷۷-۱۳۸۱) و معاون آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه را عهده‌دار بود.

فراسو

دنده عقب پاریس

فرانسه قمار خطرناکی را با ایران شروع کرده بود، اما همان ابتدای بازی مجبور به عقب‌نشینی شد. هیچیک از بازیگران بازی پاریس را نمی‌پسندند. همه ترمز کرده‌اند، جنگ با ایران یک دیوانگی است.

کریستین ساینس مانیتور (آمریکا): فرانسه در قبال ایران قمار سختی کرده است

اظهارات کوشنر برخی از دیپلمات‌ها را شوکه کرد و اروپایی هایی را به تعجب واداشت

فرانسه که همواره میانه‌رو بوده در جهشی بلند برای ایفای نقش مهم‌تر به ناگهان لحنی تند به خود گرفت

فرانسه لفاظی کاملی علیه ایران آغاز کرده اما توانایی آن در هدایت دیپلماتیک کار زیر سوال است

کوشنر و سارکوزی به اندازه کافی فعالیت پشت پرده انجام نداده‌اند تا سیاست مشترک اروپا را درک کنند

هنوز ناهماهنگی هایی در اظهارات منفی اروپایی ها درباره اظهارات کوشنر قابل مشاهده است

گاردین (انگلیس): ایران بی اعتنایی می کند اما فشار افزایش می یابد

بی‌اعتنایی احمدی‌نژاد به قطعنامه تحریم‌ها و جنگ به جای اینکه اطمینان‌بخش باشد، ترسناک است

هرچه اختلاف آمریکا و اروپا در مورد ایران طولانی‌تر شود، خطر اقدام نظامی بیشتر می‌شود

وضعیت کنونی، یادآور شکاف بین اعضای شورای امنیت در مورد حمله نظامی به عراق است

رایس می کوشد توافق برای استفاده از ابزار دیپلماتیک را کسب کند تا مانع از وقوع جنگ شود

لا رپوبلیکا (ایتالیا): وزیر خارجه فرانسه دنده عقب رفت

دنده عقب پاریس، با ایران بدون وقفه مذاکره شود

همه ترمز کردند، جنگ با ایران دیوانگی ای است که هیچکس نمی خواهد مسوولیت نظریه آن را برعهده بگیرد

نخستین نفر خود «برنار کوشنر» وزیر خارجه فرانسه است که صحبت از جنگ کرده بود

وی مجبور به متهم کردن مطبوعات جهانی به تفسیر اشتباه صحبت هایش شد

کاخ سفید با احتیاط بود و سخنگوی او گفت: ما بر این باور هستیم که راه دیپلماتیک وجود داشته باشد

راسیسکایا گازتا (روسیه): پرونده اتمی ایران؛ موضوع اصلی مجمع عمومی سازمان ملل

از سخنرانان جالب این اجلاس احمدی‌نژاد است که از حق ایران در استفاده از انرژی اتمی سخن می گوید

سر و صدای زیادی در آمریکا درمورد سفر محمود احمدی‌نژاد ایجاد شده است

بان کی مون تاکید کرد موضع سازمان ملل ادامه گفت‌وگو و راهی صلح آمیز درباره ایران است

وکیل الرعایا

کوله‌بار زندانی

محمدجعفر ساعد

vakilroaya@ gmail.com

اصل خبر: سارق سابقه داری که شب ها در اتومبیل های سرقتی می خوابید، مامور پلیس آگاهی را با چاقو زخمی کرد.

موضوع از چه قرار است؟ سارق سابقه‌داری که تازه از بند زندان رهایی یافته بود، پس از چند روز جست‌وجو برای یافتن کاری جهت امرار معاش و سرپناهی برای بیتوته، زمانی که برایش مسجل شد که راه به جایی نمی برد و کسی به او نه کار می دهد و نه سر پناهی، دست به سرقت اتومبیل می زند تا شب را در آن سحر کند. وی می گوید: «۲۰ روز است که از زندان آزاد شده‌ام. به همه محل هایی که در گذشته کار می کردم، سر زدم ولی هیچکس به من کار نداد. حالا جایی برای خواب ندارم و شب ها در اتومبیلی که دزدیده‌ام، می خوابم.»

تحلیل موضوع: در روزگار ما، غالب اندیشمندان کیفری، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی بر این باورند که «جرم» پدیده‌ای اجتماعی است و آن زمان که فرآیند اندیشه در یک عمل جنایی تبلور یافته و سوژه کیفری، وضعیت‌های پیش جنایی را از سر می گذراند، جدای از این فراگرد روانی، محیط پیرامونی وی نیز بدین اندازه و حتی بیشتر اثرنمایی می کند. با این همه، تاثیر فرآیند اجتماعی در رخداد جنایی بیش از همه جلوه دارد و کسی را یارای انکار آن نیست. در این وضعیت، هر آنکه از این رهگذر «مجرم» شناخته می شود، جدای از موارد روانی، اغلب، جرم ارتکابی بازیگران اجتماعی در اثر اوضاع و احوال اجتماعی است و مجازاتی که بر او تحمیل می شود - که «حبس» نیز در زمره آنهاست - به دنبال سیاست جنایی حاکم بر آن جامعه رخ می نماید که بیشتر از رویکردی سیاسی سرچشمه می گیرد. با این اوصاف، آنکه به دنبال واقعه‌ای اجتماعی که «جرم» نامیده شده، به ناگاه، کوله‌بار زندگی خود را به عزم زندان می بندد، تنها بازیگر فعال اجتماعی است که با تجمیع علل و عواملی پیرامونی، به ماندن در این مکان محکوم شده است. آیا شایسته است چنین شخصی که می تواند برادر و خواهر یا پدر و مادر ما باشد، پس از گذران دوران حبس، بدین گونه از اجتماع طرد شود؟!

تکمله: کنشگرانی اینچنین، نه بالفطره بزهکارند و نه علت بزهکاری، بلکه معلول جریانی اجتماعی هستند که به ناگاه در ورطه بزهکاری گرفتار آمده‌اند و اینک که به جزای فعل خویش رسیده‌اند، شایسته نیست که آنها را دیگربار به فراگرد اجتماعی راه نداد؛ او را طرد کرد و به دیده «تبهکار» نگریست. چندان که به ناچار، خود باور کند که بزهکار است و افزون بر این، چنان به تنگ آید که تنها راه امرار معاش را در ارتکاب مجدد جرم بداند!